



جنگ داخلی سوریه و آرایش نوین منطقه‌ای و جهانی

دکتر امین پرتو*

اشاره:

جنگ داخلی سوریه محل برخورد انبوهی از متغیرها، نیروها و بازیگران، منافع متعارض یا همپوشان و بالاخره رویدادهای گوناگون است. از مداخله نظامی روسیه در سوریه تا بحران آوارگان سوری و از مشکل تروریسم تا رقابت منطقه‌ای و جنگ نیابتی میان ایران از یک سو و عربستان سعودی از سوی دیگر، طیف متنوعی از مسائل را تشکیل می‌دهند که با توجه به آرایش جدید نیروها در جنگ داخلی سوریه، در نوشته حاضر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مقدمه

پس از گذشت پنج سال، جنگ داخلی سوریه با تلفات انسانی برابر با دست کم دو بیست و پنجاه هزار نفر کشته، هفت میلیون و ششصد هزار آواره و چهار میلیون پناهجو در کشورهای خارجی همچنان ادامه دارد. سوریه مأمّن تروریسم بین‌المللی و محل صدور موج جدیدی از عملیات تروریستی به اروپای غربی و آمریکای شمالی شده است؛ جمعیت آوارگان سوری، به چالش اقتصادی و سیاسی جدی برای کشورهای همسایه و کشورهای اروپایی تبدیل شده‌اند و البته مهم‌تر از همه، سوریه آوردگاه رقابت و در عین حال جنگ نیابتی و گاه مستقیم میان بازیگران خارجی شده است. عملیات نظامی روسیه در سوریه، بی‌سابقه‌ترین اقدام روسیه در سیاست خاورمیانه‌ای خود، دست کم از دهه ۱۹۷۰ تا کنون بود؛ عملیات نظامی که با همراهی ایران و قدردانی دولت سوریه همراه شده است و در عین حال مخالفت کشورهای عربی حامی مخالفان، ترکیه و آمریکا را برانگیخته است. عملیات تروریستی داعش در پاریس، منجر به مداخله نظامی فرانسه و بریتانیا شد؛ ارسال اسلحه برای مخالفان از سوی عربستان سعودی و آمریکا شدت گرفته و تنش میان ترکیه از یک سو و روسیه از سوی دیگر به اوج خود رسیده است. تحلیل مسائل مزبور و

گمانه‌زنی در خصوص آرایش نوین منطقه‌ای و جهانی که بر اثر جنگ داخلی سوریه شکل گرفته، از سویی نیازمند تحلیل منافع و اهداف هر یک از بازیگران و از سوی دیگر نیازمند درکی دقیق از وضعیت نظامی کنونی در سوریه است. جنگ داخلی سوریه، به سبب اینکه مختصات یک «جنگ» را داراست، نیازمند تحلیلی است که علاوه بر عوامل سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی، به ماهیت نظامی آن هم توجه نشان دهد.

آرایش جدید نظامی در سوریه با ورود روسیه به جنگ

نگاهی به نبردهای^۱ جنگ داخلی سوریه نشان می‌دهد که در اکثر آنها ارتش و نیروهای دولتی پیروز بوده و مخالفان شکست خورده‌اند؛ پیروزی‌های مخالفان، اغلب محدود بوده و البته پس از مدتی با ضدحمله نیروهای دولتی، از دست رفته است. بارها و بارها، مخالفان بر مناطقی مسلط شده و در ضد حمله نیروهای دولتی وادار به عقب‌نشینی شده‌اند. اما این پیروزی‌های تاکتیکی، منتهی به پیروزی قاطع و راهبردی دولت و نابودی مخالفان نشده است. مخالفان هر بار با بازسازی توان خود، در جبهه‌ای جدید وارد عمل شده و مناطقی را تصرف کرده‌اند. ارتش سوریه وارد نبردی فرسایشی و نامتقارن شده است که در آن، هرچند پیروزی‌هایی به دست می‌آورد اما به سبب پراکندگی صحنه نبرد و فقدان تمرکز، استهلاک تجهیزات و انسانی قابل توجه نیروهای خود و مجهز و مصمم بودن دشمنانش، قادر به تبدیل پیروزی‌های تاکتیکی به پیروزی راهبردی نیست. هم‌اکنون نیروهای دولتی و متحدانش (شامل ارتش سوریه، نیروهای دفاع وطنی، حزب الله لبنان، نیروهای مستشاری ایران و

* کارشناس مسائل نظامی و خاورمیانه



میلیشای شیعه عراقی، افغان و پاکستانی) در هفت جبهه مشغول نبرد هستند: نخست؛ جبهه حلب که عملیات بزرگ برای آزادی این شهر از ابتدای اکتبر ۲۰۱۵ و با حمایت هوایی روسیه آغاز شده است. دوم؛ جبهه لاذقیه در شمال غربی کشور برای دور کردن مخالفان از بندر لاذقیه که به ویژه از حیث تأمین امنیت برای پایگاه سنتی خاندان اسد و نیز پایگاه نظامی روسیه بسیار مهم است. سوم؛ جبهه حما که به سبب قرار گرفتن میان لاذقیه و حلب بسیار حائز اهمیت است. چهارم؛ جبهه حمص، که درگیری در بخش شمالی و شرقی آن تداوم داشته و در شاهره دمشق-لاذقیه قرار دارد. پنجم؛ جبهه دمشق، در غوطه شرقی و برخی مناطق نزدیک به دمشق که مقاومت مخالفان علی‌رغم چند سال محاصره ادامه دارد. ششم؛ جبهه درعا و قنیطره در جنوب کشور که البته نزدیک‌ترین جبهه به پایتخت (دمشق) است. هفتم؛ جبهه دیرالزور که در شرق سوریه، فرودگاه نظامی این شهر و پادگان‌ها و بخش‌هایی از خود شهر همچنان در برابر هجوم داعش مقاومت می‌کنند. مشکل مهم ارتش سوریه، فرسایش شدید نیروی انسانی و تجهیزات نظامی است. مجهز بودن مخالفان به تعداد پرشماری از موشک‌های ضدتانک، سبب وارد آمدن صدمات سنگین به نیروی زرهی ارتش شده است. پیش از شروع جنگ، تعداد تانک‌ها و نفربرهای زرهی ارتش بین ده تا دوازده هزار فروند تخمین زده می‌شد اما اکنون، هم به سبب انهدام توسط جنگ‌سوزرهی مخالفان و هم کهنگی و فرسودگی ناشی از پنج سال جنگ مداوم، تعداد زیادی از آن‌ها از میان رفته است. با ضعف نیروی زرهی، تلفات نیروی پیاده نیز افزایش می‌یابد. مشکل دیگر، فرسودگی و از میان رفتن نیروی هوایی سوریه است. گرچه مخالفان نتوانستند حامیان خود را به تحویل سلاح‌های ضدهوایی پیشرفته قانع سازند، اما توانسته‌اند دست کم دو یست فروند هواپیما و هلی‌کوپتر را ساقط یا روی زمین منهدم کنند. علاوه بر این صدمات، نیروی هوایی کهنه و قدیمی سوریه، از فشار و استهلاک پنج سال جنگ مداوم در رنج است. در کنار افزایش استفاده از هواپیمای بدون سرنشین و نیز استفاده از مهمات ابتکاری مانند بمب بشکه‌ای، فرسایش نیروی هوایی سوریه به مرحله‌ای جدی وارد شده است. همین فرسایش در کنار مسلح شدن مخالفان به سلاح‌های بیشتر، به ویژه تعداد پرشماری موشک ضدتانک تاو، موجب شد تا با آغاز سال ۲۰۱۵، دولت سوریه شاهد شکست‌های جدی باشد. نخست عملیات ارتش سوریه در ابتدای سال برای آزادی حلب شکست خورد؛ سپس مخالفان، ادلب و جسرالشغور در شمال را تصرف و به سوی لاذقیه پیش رفتند؛ مخالفان در جنوب نیز گذرگاه مرزی «نصیب» را تصرف و پیشروی نمایانی در قنیطره کردند. این شکست‌ها، دستاوردهای نبرد القلمون برای دولت سوریه را به شدت کم‌رنگ کرد.

گرچه روسیه اعلام کرده که به مواضع داعش حمله می‌کند، اما گزارشات دقیق و بی‌طرف تایید می‌کنند که تنها ده درصد حملات هوایی روسیه علیه داعش انجام شده است. مناطق مورد حمله روسیه نه مناطق شرقی یا مرکزی سوریه که تحت کنترل داعش است، بلکه مناطقی مانند لاذقیه، حلب، حما و ادلب بوده که اغلب در کنترل ارتش آزاد سوریه قرار دارد. البته در این مناطق مواضع جبهه نصرت و متحدانش در جیش الفتح (مانند فیلق الشام، جیش السنه، اجنادالشام و جندالاقصى) - اگرچه جندالاقصى اخیرا از آن خارج شده - و حرکت احرار الشام که با آنها همکاری دارد، مورد حمله قرار گرفته‌اند. این مخالفان مناطق حساس‌تری نسبت به داعش در اختیار دارند و به سبب آنکه بعضا مورد حمایت مستقیم آمریکا، عربستان و قطر هستند، خطرناک‌تر محسوب می‌شوند. این خطر علاوه بر جنبه نظامی شامل جنبه سیاسی هم هست. از نظر مخالفان اسد، او با حذف مخالفان میانه‌رو و باقی گذاشتن داعش و جبهه نصرت، خواستار آن است مخالفان بین‌المللی خود را در نهایت به همکاری وادار کند زیرا بدون اپوزیسیون میانه‌رو، مذاکره و گذار سیاسی برای عبور از اسد بی‌معنا خواهد بود. به نظر می‌آید انتظار تحولی برق‌آسا در صحنه جنگ داخلی سوریه با مداخله نظامی روسیه شکست خورده است. صرف نظر از تلفات غیرنظامی سنگین بمباران هوایی روسیه و همچنین بخش‌هایی از این عملیات که بیشتر جنبه نمایشی و به رخ کشیدن برخی ادوات نظامی خود را دارد (استفاده از بمب افکن‌های توپولوف-۱۶۰، توپولوف-۹۵ و توپولوف-۲۲ ام که مخصوص بمباران اتمی هستند، برای بمباران تاکتیکی دشمنانی پراکنده یا پرتاب موشک از کشتی‌های جنگی در دریای مازندران و مدیترانه) و دقت و اثربخشی این بمباران‌ها، محل تردید جدی است.

آنان منتهی به تصرف مناطق وسیعی شد که ماه‌ها پیش با تلفات بسیار آزاد شده بود و در حلب و لاذقیه هم علی‌رغم شکست‌های ابتدایی، توانسته‌اند روند پیشروی ارتش را کند کنند.

از این رو حقیقت این است که با مداخله نظامی روسیه، یک معجزه نظامی در جنگ داخلی سوریه برای بشار اسد رخ نداده و به نظر می‌آید که رخ نخواهد داد. هر چند به نظر می‌رسد اراده روسیه حتی با وجود احتمال طولانی‌تر شدن جنگ، نیرومند بماند اما گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر اعزام نیروی زمینی از سوی روسیه چندان محتمل نیست. گفته شده است که روسیه برنامه‌هایی برای اعزام صدوپنجاه هزار نیروی پیاده به سوریه دارد. روسیه اکنون هم برخی واحدهای زمینی را برای محافظت از پایگاه هوایی و دریایی خود در لاذقیه و طرطوس مستقر کرده است؛ تعداد محدودی تانک تی-۹۰، نفربری تی آر-۸۰، توپخانه سنگین و پدافند هوایی. اما این نیروی محدود که ممکن است در وضعیتی اضطراری به کار رود، با الزامات یک جنگ تمام‌عیار و گسترده زمینی فاصله بسیاری دارد. هزینه و تلفات چنین مداخله‌ای از یک سو و احتمال شکست خوردن در آن از سوی دیگر، هر دو می‌تواند اعتبار و استحکام قدرت پوتین در داخل روسیه را سست سازد. پوتین گمان می‌کند مداخله نظامی در سوریه می‌تواند کاملاً بدون هزینه باشد. ساقط شدن سوخو-۲۴ روسیه توسط ترکیه و انهدام یک میل-۸ روسیه توسط مخالفان سوریه، نقطه شروع هزینه‌های انسانی و لجستیک روسیه در سوریه بوده است. هیچ تضمینی برای رخ ندادن حوادث مشابه وجود ندارد. به خصوص اگر مخالفان به تجهیزات موثرتر مجهز شوند، موشک ضد هوایی قابل حمل و راکت انداز و توپخانه دوربرد می‌تواند چالشی مهم برای نیروهای روسیه در سوریه باشد.

آرایش نظامی در جنگ داخلی سوریه، جبهه‌های دیگری هم دارد که مهم‌ترین آن عملیات نظامی نیروهای کرد سوریه همراه با بخش‌هایی از ارتش آزاد سوریه و دیگر اعراب ضد داعش است. در محور حسکه این نیروها، با پشتیبانی هوایی و حمایت تسلیحاتی آمریکا، پیشروی نمایانی کرده و به سوی الشدادی به پیش می‌روند. اما در محور رقه (پایتخت داعش)، پیشروی کند شده ولی شروع یک عملیات تهاجمی بسیار محتمل است. در صورت پیشروی و پیروزی نیروهای مشترک کرد-عرب در این دو محور، قلمرو داعش از کمر در هم خواهد شکست. نیروهای داعش به جزایر کوچک تقسیم شده و سرعت اضمحلال آن در سوریه افزایش بسیاری خواهد یافت. جیش‌الیرموک، گروهی که در منتهی‌الیه جنوب شرق سوریه، چند شهر را تصرف و با داعش اعلام بیعت کرده، درگیر جنگی تمام‌عیار با نیروهای جبهه نصرت و سایر گروه‌ها است. داعش در شمال شرق حلب هم با گروه‌های مخالف بشار اسد درگیر نبرد است. این

گزارشات مستند و مصور متعددی از منحرف شدن مهمات هوایی شلیک شده و سقوط آن، کیلومترها دورتر از هدف، منتشر شده است. مشکل هدایت آتش هوایرود توسط واحدهای زمینی هم به سبب برخی ناهماهنگی‌ها جدی به نظر می‌رسد. در چند مورد، روسیه با بمباران اشتباه، تلفات قابل توجهی به نیروهای دولتی وارد کرده است. گرچه برخی پیشرفت‌ها به سبب این قدرت آتش مقدور شده اما پیروزی در جنگ زمینی، به ویژه آنگاه که رویارویی با دشمنانی غیرمقتارن و با تاکتیک چریکی است، تنها با برتری آتش هوایی مقدور نیست. روسیه تحویل اسلحه جدید به ارتش سوریه را مد نظر قرار داده و گزارش شده که حتی از توان حمل و نقل نظامی خود برای انتقال سلاح و مهمات ایرانی به سوریه استفاده کرده است. تحویل تانک تی-۹۰، راکت‌انداز توس-۱ و توپ ۱۸۰ میلی‌متری انجام شده یا در روند انجام است. با همه این اوصاف، دستاوردهای نظامی به دست آمده چندان شگفتی‌ساز نبوده است. بر این مبنا محاصره فرودگاه نظامی کویرس شکسته شده و بخش‌های وسیعی از حلب و لاذقیه آزاد شده است؛ در قنيطرة حمله مخالفان دفع و در حمص و حومه دمشق، صدمات سنگینی به آنان وارد آمده است. اما همه این دستاوردها در نمای کلی جنگ داخلی سوریه ناچیز است؛ تلفات انسانی وارد شده، هم به نیروهای ارتش و هم متحدان نظامی شامل نیروهای ایران، حزب‌الله و میلشپای شیعه سنگین بوده است؛ صدمات لجستیک به خصوص در بخش زرهی چشم‌گیر است؛ تاکتیک مخالفان برای هدف قرار دادن حتی خودروهای نظامی معمولی، از کیلومترها دورتر با موشک تاو، علاوه بر برهم‌زدن نظم نیروها، اثرات روانی نامطلوبی بر جای گذاشته است. علاوه بر این مخالفان دست به ضدحمله‌های سنگین هم زده‌اند. در جبهه جنوبی حما، ضدحمله سنگین

منطقه در هفته‌های اخیر شاهد درگیری‌های نظامی خونینی میان برخی از گروه‌های مخالف بشار و نیروهای کرد سوریه بوده است.

تروریسم داعش و آغاز عملیات هوایی فرانسه و بریتانیا در سوریه

حملات تروریستی ۱۳ و ۱۴ نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس که منجر به کشته شدن ۱۳۰ تن شد، بلافاصله به داعش و هوادارانش منصوب گردید. فرانسه که تا پیش از این حملات، عملیات هوایی خود را متکی به قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت و محدود به عراق انجام می‌داد، تصمیم گرفت عملیات هوایی را به سوریه بسط دهد. جنگنده‌های مستقر در اردن و امارات متحده عربی بر فعالیت خود افزودند؛ ترکیه و بریتانیا (قلمرو خود در قبرس) را برای عملیات در اختیار نیروی هوایی فرانسه قرار دادند و ناو هوایمابر شارل دو گل هم برای عملیات در سوریه روانه دریای مدیترانه شد. علی‌رغم مخالفت دولت سوریه، فرانسه بمباران خود را شدت بخشید و این اقدامش با پشتیبانی و تقدیر آمریکا مواجه شد. با وجود این توان نظامی صرف شده از سوی فرانسه محدود و گرفتار همان نا کارآمدی‌های معمول عملیات هوایی است به گونه‌ای که روی زمین تنها ۱۲ جنگنده و بر روی ناو هوایمابر ۲۶ فروند؛ عملیات‌ها کم‌شمار و هدایت زمینی آتش هوایی ناقص است. این در حالی است که فرانسه پس از حملات تروریستی پاریس، کوشش کرد تا کشورهای اروپایی را به تحرک نظامی جدی در قبال داعش فراخواند. در بریتانیا، نخست‌وزیر دیوید کامرون پارلمان را دعوت به صدور مجوز عملیات هوایی علیه داعش کرد. این درخواست یک سال قبل توسط پارلمان رد شده بود. این بار اما حس همبستگی با فرانسه چنان قوی بود که حتی در حزب رقیب، شکافی جدی ایجاد کرد. جرمی کوربین رهبر حزب کارگر، علی‌رغم مخالفت جدی با مشارکت در عملیات هوایی در سوریه، وادار شد تا رأی دادن در خصوص این مسأله را از حالت حزبی خارج کند و از نمایندگان هم‌حزبی خود، بخواهد هر طور خود صلاح می‌دانند، رأی بدهند. حاصل رأی‌گیری، تأیید عملیات نظامی بریتانیا در سوریه بود. اگرچه بریتانیا جنگنده‌های اضافی را اعزام کرد اما اثربخشی نظامی «عملیات سایه‌زن»^۱ بریتانیا همچون عملیات «باد شمالی»^۲ فرانسه محدود خواهد بود. چنانکه یک سناتور آمریکایی (جان مک‌کین) به طعنه گفته بود، علی‌رغم قابل تقدیر بودن این کوشش‌های جنگی، اما این اقدامات چیزی بیش از اقدامات نمایشی یا حداکثر با دستاوردهای تاکتیکی محدود نیست و منتهی به نابودی داعش نخواهد شد. فرانسه توانست سرانجام آلمان را هم وارد ائتلاف نظامی علیه داعش

کند. آلمان نیز علی‌رغم بی‌میلی آشکار به هرگونه اقدام نظامی در خاورمیانه، تصمیم به ارسال شش جنگنده تورنادو و مربیان نظامی برای مبارزه علیه داعش گرفته است. به علاوه قول فرستادن ۶۵۰ نیروی نظامی به مالی برای همراهی با نظامیان فرانسوی در این کشور آفریقایی گرفتار تروریسم را داده است. با وجود این که آلمان ارتشی بزرگ و ناوگان هوایی جنگی پرشماری دارد، اما به هیچ‌رو آماده عملیات نظامی گسترده نیست. تنها ۲۸ جنگنده از ۲۰۰ فروند جنگنده کنونی تورنادو و تایفون، توان عملیات دارند؛ ناوگان هلی‌کوپتری تا حد زیادی زمین‌گیر است و ناوگان ترابری هوایی هم در حال نوسازی است. از این‌رو حضور آلمان به دلیل سیاست آن‌گلا مرکل مبتنی بر دور نگاه داشتن کشور از بحران‌های خارجی، محدود خواهد ماند. کوشش فرانسه همچنین برای جلب‌نظر کشورهای دیگر عضو ناتو برای عملیات هوایی در سوریه ناموفق باقی مانده است. دانمارک قصد عقب کشیدن اف-۱۶های خود از عملیات علیه داعش را به سبب فرسودگی دارد؛ همان‌علتی که موجب کنار کشیدن بلژیک شد. دولت ترودو در کانادا هم گرچه تحت فشار قرار دارد تا عملیات نظامی علیه داعش را ادامه دهد اما به طور جدی خاتمه عملیات هوایی علیه داعش را دنبال می‌کند.

بخش دیگری از تلاش اولاند برای سامان‌دهی جبهه‌ای نیرومند علیه داعش، منتهی به سفر او به روسیه شد اگرچه این سفر دستاوردی در بر نداشت. اگرچه فرانسه موضع خود در قبال کناره‌گیری فوری بشار اسد با باقی ماندن وی در یک فرایند انتقال قدرت را تعدیل کرد، اما این مسأله تغییر بنیادینی در رابطه با روسیه ایجاد نکرد. پوتین از تحریم‌های وضع شده علیه روسیه به سبب تصرف کریمه و بحران دونباس ناخشنود است و به خصوص این ناخشنودی به سبب قطع همکاری نظامی پاریس با مسکو، شدت

1. Operation Shader
2. Opération Chammal

کاربرد دیپلماسی و فشارهای اقتصادی و سیاسی و به صورت محدود، تا حد امکان متکی به قطعنامه های شورای امنیت، مداخله غیرزمینی و همراه با همراهی دولت های دوست، خودداری از ایفای نقش پیشروانه؛ واگذار کردن حل مسائل هر منطقه به دولت های همان منطقه؛ خاتمه دادن به استعاره «آمریکا مساوی با کلانتر دنیا» و حمایت از دولت های دوست با پشتیبانی سیاسی، فروش اسلحه و در مرحله نهایی و مورد نیاز نظامی به صورت محدود از طریق آموزش یا عملیات هوایی. او با ما به صراحت متذکر شده که هرگز در دام داعش که کشاندن آمریکا به جنگی زمینی در عراق و سوریه است، نخواهد افتاد. پیامدهای منفی جنگ داخلی سوریه برای آمریکا اغلب ناچیز بوده است. در مقابل اروپا بیشترین ضربه را از آوارگان و تروریسم متحمل شده است و البته اروپا باید خود بیشترین کوشش را در جهت حل مشکلات خود مبذول کند. آنچه برای آمریکا اهمیت دارد، اهمیتی بیشتر از نبود داعش یا سرنگونی اسد و یا مساله تلفات و آوارگان جنگ سوریه، مهار ایران است. آمریکا، سوریه را با تلافی نبود کننده برای دشمنان خود می بیند. توان ایران و حزب الله لبنان باید تا حد امکان در سوریه هرز رود؛ وارد شدن روسیه در این باتلاق هم می تواند اسباب شکست احتمالی پوتین را فراهم کند؛ آمریکا در صورت لزوم جهت حفظ این موازنه نبود گر وارد عمل می شود. تنها مشکل، ناخشنودی متحدان آمریکا است. اسرائیل کنار کشیدن آمریکا از بحران سوریه را - به تعبیر موشه یعلون وزیر جنگ - تنها موجب افزایش نقش ایران و روسیه در خاورمیانه می داند. اسرائیل از رد پیشنهاد خود از سوی آمریکا مبنی بر پذیرش الحاق جولان به اسرائیل نیز ناخشنود است. عربستان و ترکیه هم از این سیاست مبهم و مبتنی بر دفع الوقت آمریکا در خصوص سوریه ناراضی هستند. عربستان گرچه در نشست وین در خصوص بحران سوریه شرکت کرد و بحث و جدل تندی میان وزیر خارجه این کشور با همتای ایرانی اش صورت گرفت، اما خود از طریق اجلاس ریاض برای متحد کردن معارضین سوری ابتکار مستقلی را به پیش برد. جبهه نصرت و حرکت احرار الشام با توافقات حاصل شده در این اجلاس مخالفت کردند، اما عربستان نشان داد که اصلی ترین حامی خارجی و بازیگر تأثیرگذار در میان مخالفان اسد است.

موقعیت ایران در نتیجه آرایش جدید نظامی در سوریه

به نظر می آید ایران چه از نظر هزینه های اقتصادی صرف شده در سوریه و چه از نظر تلفات انسانی مستشاران ایرانی، خود را درگیر جنگی بسیار مهم و سرنوشت ساز می بیند. در صورت سقوط اسد، تنها دولت متحد ایران در جهان عرب از دست می رود و حزب الله لبنان خط پشتیبانی خود

بیشتری دارد. به علاوه فرانسه در بحران سوریه و در مقابله با داعش، بیشتر همراهی با آمریکا را مد نظر خواهد داشت تا آنکه خود بازیگری مستقل باشد. همین محدودیت، هیچ امکانی برای شکل گیری یک اتحاد روسی-فرانسوی در سوریه باقی نمی گذارد.

استراتژی آمریکا برای سوریه و وضعیت متحدانش

برای بسیاری از تحلیل گران موضع آمریکا در قبال جنگ داخلی سوریه غامض و دشواریاب است. در اظهارات رسمی، ستون های سیاست آمریکا شامل لزوم تغییر سیاسی در سوریه از طریق برکناری بشار اسد و سرنگونی حکومت تک حزبی بعث و روی کار آمدن دولتی دموکراتیک و ملی در سوریه، حفظ یکپارچگی سرزمینی این کشور، مقابله با تروریسم و ریشه کنی گروه های داعش و جبهه نصرت و توقف نفوذ و حضور ایران و حزب الله لبنان در این کشور است. آمریکا برای تحقق این اهداف، به همان اندازه که از تندروی پرهیز کرده، به همان میزان هم در دستیابی به توفیق در خصوص اهداف کوچکش ناکام مانده است. آمریکا از مداخله یکجانبه در سوریه خودداری کرده است؛ عملیات نظامی خود را محدود به هدف قرار دادن داعش کرده؛ برای شکل دهی به یک ائتلاف بین المللی تلاش نموده و البته فعالیت قدرت های منطقه ای حامی مخالفان دولت سوریه را تابع برخی ضابطه ها کرده است. در حالی که آمریکا خود برای مخالفان اسلحه و مهمات به خصوص موشک های ضدتانک تاو ارسال کرده اما در مورد تسلیح مخالفان به موشک های دستی ضد هوایی ممانعت جدی به عمل آورده است.

سیاست آمریکا در سوریه تابعی از آن چیزی است که برخی آن را «دکترین او با ما» می خوانند. ارکان این دکترین شامل موارد زیر است: استفاده از ابزار نظامی به عنوان آخرین گزینه پس از



برای مقاومت در برابر دشمنان داخلی و خارجی (اسرائیل) را از دست می‌دهد. ایران به خوبی می‌داند که هر گزینه‌ای به جز اسد یا نظام بعث یا نظام سیاسی که توان برهم زدن ترتیبات کنونی حاکم بر روابط تهران-دمشق را داشته باشد، به معنای خسروانی بزرگ در سیاست خارجی ایران خواهد بود. تاکید ایران بر حق بشار اسد در شرکت مجدد در انتخابات یا حق او برای ماندن در قدرت تا سال ۲۰۲۱ یعنی دور هفت ساله‌ای که از سال ۲۰۱۴ شروع شده، بنا بر همین مسأله است. البته ایران تا حد زیادی پی به این نکته برده است که آمریکا ادامه یافتن جنگ داخلی سوریه را چندان نامطلوب نمی‌داند. برای ایران، سال ۲۰۱۵ با پیروزی‌های دیپلماتیک بزرگ همراه بوده است. وارد شدن روسیه به جنگ داخلی سوریه از یک سو و امید به خاتمه تحریم‌های مالی و نفتی از سوی دیگر، امکان تغییر در معادلات جنگ داخلی سوریه به نفع بشار اسد را بالا برده است. اما همه این معادلات در برابر یک واقعیت مهم قرار دارد: مخالفان مسلح اسد، علی‌رغم همه گوناگونی و پراکندگی میان خود، همچنان پرشمار و البته تا حد قابل توجهی مسلح و برای ادامه مبارزه مصمم هستند. علی‌رغم برخی محدودیت‌ها، احتمال قطع جریان تحویل سلاح به آنها از سوی حامیان خارجیشان اندک به نظر می‌رسد.

گفته می‌شود هدف ایران از تهاجم گسترده مهرماه (اکتبر) به بعد، به دست آوردن پیروزی نظامی برای مذاکرات سیاسی آینده در خصوص سوریه بوده است؛ این هدف تسلط بر همه شهرهای مهم سوریه و صرف نظر کردن از مناطق دورافتاده یا کم‌اهمیت را در بر داشته است. به این ترتیب در صورتی که آتش‌بسی برقرار شود، اسد برنده عملی آتش‌بس خواهد بود. با این حال ایران دچار مشکلاتی اساسی در پیشبرد هدف خود در سوریه یعنی «حفظ اسد» است. نشانه‌هایی از عدم توافق روسیه با ایران در خصوص آینده سوریه و بشار اسد در بلندمدت به چشم می‌خورد. هرچند شاید این عدم توافق، مورد بزرگ‌نمایی قرار گرفته زیرا اگر بدون اسد یا نظامی بعثی یا علوی، ایران جایی در سوریه نداشته باشد، بعید است روسیه هم جایگاهی در این کشور داشته باشد. ایران در وضعیتی قرار دارد که بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دشمن (ترکیه، عربستان و آمریکا) به چیزی جز مهار کامل ایران و خروجش از سوریه رضایت نمی‌دهند.

نتیجه‌گیری

ارتش سوریه که دچار استهلاک سنگین انسانی و تجهیزاتی شده بود از اواخر سال ۲۰۱۵ با حضور نظامی روسیه و کمک‌های گسترده ایران موج جدیدی از حملات را علیه مواضع مخالفان آغاز کرده

است. با وجود موفقیت نسبی عملیات فوق، دگرگونی بنیادینی در میدان جنگ داخلی در سوریه پدید نیامده است. مخالفان که گاه با تسلیحات پیشرفته به خصوص موشک‌های ضدزره مجهز هستند، صدمات فراوانی در جریان این پیشروی به ارتش وارد ساخته‌اند. این گمان که بمباران هوایی گسترده از سوی روسیه، بن‌بست نظامی فراروی نیروهای دولتی را درهم خواهد شکست تا حد زیادی مورد تردید به نظر می‌رسد؛ دشمنان نامنظم و پراکنده در کنار دقت کم عملیات هوایی روسیه تحول چشمگیر بر روی زمین را دور از انتظار می‌سازد. در حالی که جنگ داخلی ادامه دارد کوشش‌های بین‌المللی برای خاتمه جنگ کماکان ناموفق خواهد بود. تعارض بنیادین منافع جایی برای چانه‌زنی و مصالحه باقی نخواهد گذاشت. برای ایران، سقوط اسد به معنای از دست دادن همه چیز است. بریتانیا و فرانسه متأثر از تهدید تروریسم و بحران آوارگان، خواستار برخورد جدی با داعش هستند، اما توان نظامی و سیاسی محدودی برای این منظور دارند؛ همراهی این دو با آمریکا مانع از ائتلافشان با روسیه علیه داعش می‌شود؛ روسیه نیز بیش از داعش سایر گروه‌های مخالف را آماج حملات خود قرار داده است؛ آمریکا نیز سیاست صبر و احتیاط را در پیش گرفته و به نظر می‌آید تداوم جنگ داخلی در سوریه-دست کم تا مدتی نامعین- تهدیدی فوری را متوجه منافع و امنیت آن نمی‌کند؛ هر چند که سیاست خودداری از مداخله، موجب ناخشنودی متحدان منطقه‌ای خواهد شد اما از پادآمدن یا تضعیف تهدیدهایی مانند ایران، حزب‌الله و روسیه از پیامدهای مثبت ادامه جنگ داخلی سوریه تا آینده‌ای مشخص برای آمریکا است.

